

جارچی

تلاقی صنعت وهنر در نمایشگاه هنر تدبیر

● لوله پولیکا و عکس، بنیان متریالی نمایشگاه هنر تدبیر است که این روزها در فضای باز تالار وحدت تلاش دارد بارقه‌هایی از دستاوردهای دولت یازدهم را ارانه دهد. «لوله پولیکا» به نمایش‌نگی از صنعت هنر آتلاین، انتخاب این دو متریال برای شکل‌دهی سازه نمایشگاه، حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد، به‌خصوص که گفته می‌شود دستاورد دولت یازدهم منحصر به بر جام است، اما در این رویداد از شکوفایی صنایع دارویی و کشاورزی گرفته تا جامعه‌ای پاشنات حضور پرشور هنرمندان، تصویر شده و روایتی دیگر از دولت تدبیر و امید به نمایش گذاشته می‌شود. رویکرد هنر مفهومی نمایشگاه هنر تدبیر، این روزها بسیار به مذاق دولتمردان و نیز اقشار مختلف مردم خوش آمده است؛ در بدو ورود به نمایشگاه مخاطب پا دو آینه روی‌روی هم مواجه است که بر آنها تک‌جمله‌هایی از رهبر انقلاب درباره گرامیداشت اعتدال نقش بسته است، مردم خود را در آینه می‌بیند تا بدانند این دستاوردها به لطف حضور آنهاست؛ مخاطب برای تماشای نمایشگاه باید از مانع بسیار بلند تورم در سال ۹۲ بگذرد، این مانع ۴۱درصدی چنان بلند است که به‌یقین یازدیدکننده برای گذر از آن به زحمت می‌افتد، در طول مسیر نیز این مانع تورم حضور دارد که در پایان نمایشگاه به تکریمی تقلیل یافته و تقریباً هم سطح زمین است؛ در سراسر نمایشگاه استوانه‌هایی مقدار ذخیره گندم، قفسه‌های مثلی میزان تولید دارو و بشکه‌های نفت، توان صادرات طلای سیاه را نشان می‌دهند؛ در آغاز نمایشگاه استوانه خالی از گندم است و تنها به اندازه ۱۷ روز کشور در آن مشت‌ی گندم ذخیره است، قفسه داروها خالی و یک بشکه نفت در گوشه‌ای به عزت نشسته است، همه این تازها در پایان نمایشگاه رشد تصاعدی دارند و پیشرفت کشور با افزایش این نمادها مشهود است، «صدأ» دیگر عنصر تعیین‌کننده نمایشگاه هنر تدبیر است، در فضای باز تالار وحدت صدای درگیری و گلوله و ناله بر انواع زیر صداها مستولی است؛ نشانه‌ای از ناامنی منطقه و آوارشی ایران؛ ازهمین‌رو جنایات جاری در کشورهای همسایه در دالانی تاریک با ویدئوآر‌ت‌هایی که خشونت داعش را به تصویر می‌کشند، بر سر راه دیدارکننده است تا یادآوری شود در کناره‌های مرهای وطن چه ناامنی جریان دارد و قدر آراش میهن بیشتر درک شود. جلوه‌های هنری این نمایشگاه پیش از اینهاست و هر مخاطبی می‌تواند بنا به تجربه و نگاهش آن را تفسیر کند. مهدی افضل‌ی، مدیرعامل مؤسسه توسعه هنرهای معاصر که ریاست نمایشگاه هنر تدبیر را بر عهده دارد، با ابراز خرسندی از استقبال جالب توجه دیدارکنندگان، از ایده‌های این رویداد گفت: «استفاده از مدیوم هنر برای انتقال معنا به جامعه امری است که سالیان دراز است بر آن تاکید داریم، در این نمایشگاه روشن شد به جای نمودارها و ددها سمبناز و مقاله می‌توان دستاوردهای دولت را درپنج هنر چنان به مردم نشان داد که ملموس باشد.»او با یادآوری رهنمودهای رهبر معظم انقلاب که باید کارهایی که انجام شده به اطلاع مردم برسد و امید به انقلاب را در دل مردم زنده نگه داشت، از کمک هنرمندان به این اطلاع‌رسانی هنرمندانه قدردانی کرد. رئیس نمایشگاه هنر تدبیر با اذعان به گسترده‌بودن حوزه‌های دولت، گفت به‌یقین نمی‌توان همه زوایای تلاش‌های دولت را در یک نمایشگاه بازتاب داد، اما با مشورت مسئولان محترم، روشی از آن را بازتاب داده‌ایم، درمیان مبحث امنیت و آرامش مرزا و نیز توان تدافعی کشور که زیرساختی‌ترین عنصر برای هر دستاوردی است، بستر اصلی نمایشگاه است که مخاطب با ورود به این فضا آن را احساس خواهد کرد. افضل‌ی درین‌حال یادآور شد این نمایشگاه با ابراهای بسیار کم‌هزینه اجرا شده است، محوریت این نمایشگاه ایده‌ای است که می‌تواند نمودی از شعار امسال مقام معظم رهبری، «اقتصاد مقاومتی، اقدام و عمل» باشد. پیش از این مهندس اسحاق جهانگیری، معاون‌اول رئیس‌جمهور در آیین افتتاحیه نمایشگاه هنر تدبیر گفته بود: هنر گویتارین زبان برای گفت‌وگوست و خوش‌حالم که به لطف هنرمندان اکنون زمینه انعکاس دستاوردهای دولت فراهم شده است. وی ادامه داد: این برای اولین‌بار است که دولت برای انعکاس اقدامات خود متوسل به هنر شده و هنرمندان تلاش کردند اقدامات دولت را به تصویر بکشند. معاون‌اول رئیس‌جمهوری یادآور شد: ممکن است هر کاری در ابتدا نواقصی داشته باشد، ولی مهم این است که دولت برای اولین‌بار به این حوزه پرداخت تا بتواند از زبان زیبای هنر برای انعکاس کارهای خود استفاده کند؛ بنابراین امیدوارم این کار توسعه پیدا کند و روزی نمایشگاه دائمی این چنینی داشته باشیم. معاون‌اول رئیس‌جمهوری ادامه داد: یکی از کارهایی که در این نمایشگاه عرضه شده بحث تورم است که از ابتدا به شکل یک مانع جدی است و عبور از آن خیلی دشوار است یا سیل‌وهای گندمی که به عنوان ذخایر گندم به نمایش گذاشته شده بود از دغدغه‌هایی بود که در سال ۹۲ وجود داشت.

یک اتفاق ساده

- استثنااً امروز منتشر نمی‌شود.

کاجیکاه موسیقی تعزیه چگونه است؟

در سال‌هایی که اپرای ملی ایران را کار کرده‌ام، بارها این سؤال پیش آمده است که آنچه شما انجام می‌دهید به‌ندرت با اپرای غربی همخوانی دارد و اینها با هم فرق دارند. قصد توهین نیست؛ فرض می‌کنیم که خواننده شما با تعزیه، موسیقی تعزیه و اپرا ناآشنا باشد، برای همین مجبورم توضیحاتی بدهم که شاید برای برخی و حتی کارشناسان موسیقی جزء بدیهات باشد. اما این وظیفه‌ام است که موضوع را آشکارتر کنم. پیش از آنکه ما پدیده‌ای به نام تعزیه داشته باشیم؛ تعزیه به معنای سوگواری است، مراسم مویه و زاری است که برای هر متوفایی، نه‌فقط اشخاص مقدس، حتی یک فرد عادی نیز برگزار می‌شود. بنابراین در تعزیه یک خطیب صحبت می‌کند و آوازی می‌خواند از سجایای متوفا که می‌تواند یک مادر مهربان، یک پدر مهربان یا پسر مهربان باشد. مثلاً و ریشه‌اش شبیه‌سازی است که درباره یک متوفاست و هر چقدر متوفا دارای شان و منزلت اجتماعی و مذهبی بالاتری باشد، تعزیه‌دار ایبعاد فراوان‌تر و در زرفا از عمق بیشتری برخوردار است. از طریق شعر، نوحه‌خوانی و پرده‌خوانی این تأثیرسازی انجام می‌شود و تمام این مراحل در کشور ما، به صورت مطرح‌کردن کاراکترهایی است که یک آواگر یا خواننده- بازیگر در آن نقش قرار می‌گیرد تا داستان را به نمایش بگذارد. در تقسیم‌بندی کاراکترها نوع دستگاه‌های هفت‌گانه موسیقی ایرانی نیز متناسب با شخصیت‌ها اجرا می‌شود. برای اولیا پنج‌گاه، رهاوی و نوا به کار می‌رود و برای حضرت عباس (ع) در مایه چهارگاه آوازخوانی می‌شود. عبدالله الحسین در دامن سالار شهیدان به گونه‌ای از راک می‌خواند. اشقیا نیز از بحر‌الطویل و ریستاتیو استفاده می‌کنند که نوعی خواندن فی‌مابین حالت عادی و حالت آوازی است. آنچه در تعزیه به نام اشقیاست، مانند شمر و ابن سعد و نظایر اینها از بحر‌الطویل استفاده می‌کنند.

کاحالا درباره تشابهات اپرای غربی و تعزیه به عنوان اپرای ایرانی بگویید.

وجه تشابه اپرای غربی و تعزیه به عنوان اپرا در اینجاست که در سه مورد جمع‌بندی می‌شود. اول اینکه، متن باید منظوم باشد. دوم اینکه، متن منظوم باید قابلیت اجرای موسیقایی داشته باشد. سوم اینکه، کاراکترها و نقش‌ها باید به گونه‌ای بخوانند که حزن، اندوه و خشم را منتقل کنند. بنابراین تعزیه نوعی موسیقی همه‌جانبه است که از طفل و خردسال تا فرد خون‌خوار و خشن از نظر موسیقایی تکلیفشان روشن است. نکته بعدی اینکه، در طول قرن‌ها مایه‌ها و دستگاه‌های موسیقی که به غنای تعزیه کمک کرده‌اند، مانند یک شیء، گران‌باید به موزه سپرده شوند و حتی دیده می‌شود در موسیقی تعزیه از مقام‌های عربی که می‌تواند بر حزن آن یقیراند، استفاده می‌شود. بنابراین تنها از موسیقی تمام‌ایرانی بهره نمی‌برد و از آنچه می‌تواند در خود کند و از آنچه پتانسیل و قدرت جذب و دفع در آن ساختار را داشته باشد که با موجودیت موسیقی تعزیه بتواند یگانگی پیدا کند،

هنر

گفت‌وگو با بهروز غریب‌پور

تعزیه برابری می‌کند با اپرای غربی



بهروز غریب‌پور در نقش کاجیکاه

رضا آشفته

بهروز غریب‌پور از موسیقی تعزیه بیشترین بهره‌برداری خلافتان را کرده است. غریب‌پور در مجموعه ابراهای عروسکی خود داعیه اپرا بودن تعزیه را دارد و این نکته‌ای است که در اپرای عاشورا او نمود بارزتری دارد. در روزهای سوگواری که تعزیه ایرانی کارکرد مؤثری در نمایاندن نهضت حسینی دارد، با این پژوهشگر، نویسنده و کارگردان تئاتر درباره اهمیت و جایگاه موسیقی تعزیه به گفت‌وگو نشستیم.

بهره‌مند شده است. خلاف آن نیز صادق است و آنچه را با خود یگانه نکند، دفع می‌کند. ایرانی‌ها از هوش و ذکاوت برخوردار بوده‌اند و توانسته‌اند در قرون گذشته موسیقی ایرانی را بنابر همه مخالفت‌ها حفظ کنند و از انواع ملودی‌های زیبایی که در دسترس بوده است و ممکن بوده که به فراموشی سپرده شود، استفاده و آن را وارد تعزیه کرده‌اند. به نظر،م، تعزیه مخزن عالی‌نگه‌داشتن ملودی و موسیقی ملی ما بوده است. حتی در طول زمان، در زمان قاجار، تعزیه متفاوت نیز حاصل این نگاه است که پس از دو ماه محرم و صفر، مردم از حزن و اندوه باید بیرون بیایند و به حالت عادی زندگی‌شان برگردند و دیگر جایی برای عزاداری و گریه و مویه نیست و در این حالت عادی زندگی نیز مردم همچنان نیازمند موسیقی شادی‌آور هستند. هر چند این قضیه با سو-تفاهم نیز همراه شد که در آن زمان این خودش می‌توانست منبعی باشد برای اینکه از طریق تعزیه که سیستم زنده موسیقایی است، این بخش از موسیقی ملی نیز نگهداری شود. بنابراین آنچه با تعزیه هماهنگ بود و همراهی می‌کرد، جذب و نگهداری شده است.

کاحا تقسیم‌بندی تعزیه ایرانی در اپرای غربی نیز به همین شکل است؟

در تعزیه این تقسیم‌بندی به صورت غریزی است اما در اپرای غربی نیز شاهد چنین تحولی هستیم که در آنجا نیز صدای زیر و ضعیف زن را سوپرانو می‌گویند و صدای متوسط زنان را مت‌سوسوپرانو، صدای بم زن را کنترباس، صدای بم مردانه را وارئین، صدای مرد جوان را تنسور و بم‌ترین صدا را باس می‌گویند. با این تفاوت که برخلاف تعزیه که صدای بم می‌تواند به اشقیا مرتبط باشد اما در اپرای غربی کیفیت نقش تعیین‌کننده‌ای ندارد. باس برای سرداران و فرماندهان منفی و اشقیا به کار می‌رود.

سوپرانو صدای ظریف زنانه است و در تعزیه ما از طریق صدا می‌فهمیم که کدام‌یک از نقش‌ها امام است و کدام یک شقی است و خیر و شر از هم تمیز داده می‌شود. باطل و غیر باطل از هم تمیز داده می‌شود. بنابراین این تعزیه می‌تواند یک اپرا باشد که نوعی موسیقی توصیفی و آوازی است و نسبتاً با چنین کارکردی در موسیقی اپرای غربی برابری می‌کند.

کاحا موسیقی تعزیه رشد کرده است؟
نه، رشد نکرده. با آنکه این‌گنجینه وجود دارد اما استفاده از آن تکرار مکررات است و به صورت حادقلی از آن بهره‌وری شده است. در زمان امیرکبیر که صدراعظم بود، او می‌دانست که تعزیه در اختیار مردم است و می‌تواند با خرافات و نکاتی که در شان تعزیه نیست، همراه شود؛ بنابراین به دنبال تقییح در تعزیه و ویرایش آن برآمد و در کل، ۱۲۰ نسخه تعزیه انتخاب شد که الان این اتفاق نیفتاده است و به به صورت علمی در این زمینه کار نشده است و موسیقی آن نیز به امان خدا رها شده است.

کاحا امکان رشد دارد؟

بله ما در اپرای عاشورا همین کار را کرده‌ایم که با ترومپت و درام اجرا می‌شود و در نهایت به دنبال رشد موسیقی برآمده‌ایم؛ چون آن را با ارکستر سمفونیک اجرا کرده‌ایم و در آن از توانمندی ملودیک و تعزیه بهره‌مند شده‌ایم تا به رشد کمی و کیفی نیز دامن بزنیم.

کامتاسفانه این‌روزها تحریف‌هایی هم در موسیقی تعزیه دیده می‌شود...

بی‌شک، این نیاز مردم است که از موسیقی تعزیه مراقبت شود؛ اما چون آن نگاه دلسوزانه در هدایت تعزیه نیست، این می‌تواند خطرناک باشد و تحریف نیز در آن راه یابد.

کاشما هم چنین نمونه‌هایی را دیده‌اید؟

من مدتی است به دلیل مشغله‌هایم، تعزیه ندیده‌ام؛ اما احساس می‌کنم که چنین چیزی هست.

کاخودتان در زمینه رشد کیفی موسیقی تعزیه با توجه به بهره‌مندی آن در ابراهای عروسکی و به‌ویژه در اپرای عاشورا، چه کام‌هایی برداشته‌اید؟
سعی کرده‌ام بنابر آنچه که باید در اپرا باشد، متن را از محتوای درست و انتخاب صحیح برخوردار کنم و این‌ا مرثیه محتشم‌کاشانی، آغاز می‌شود تا برسد به نوحه‌های مرسوم در عزاداری‌های ماه محرم که خود اینها پیش از اینکه آهنگ‌ساز اقدام کنند، باید به عنوان اصل و اساس در هر متن اپرایی وجود داشته باشد. بنابراین در اپرا موسیقی نباید تحمیلی باشد؛ بلکه باید بنابر متن موسیقی نیز همگن باشد، احساس را توصیف کند و استفاده درست را از متصل‌شدن به نوحه‌خوانی و تعزیه‌خوانی‌ها بکند و در نهایت سفر محتشم از دهل‌یز زمان پیش خواهد آمد که او را به سال ۵۶۱ ه.ق می‌برد و محتشم در اپرای عاشورا ناگهان سر از کربلا و نینوا درمی‌آورد که متن، این اجازه را به آهنگ‌ساز می‌دهد که چنین فضایی را القا کند.

کاحا در اپرای در دست تولیدتان (اپرای خیام) نیز به دنبال بهره‌مندی از موسیقی تعزیه هستید با آنکه سوزه ربطی به آن فضا ندارد؟
اساساً تمام تمرکز من بر احیای تعزیه، در اپراهای عروسکی است که هرچند دیگر مضامین عرفانی، اجتماعی و سیاسی دارند و از این ساختار با هدف رشد و بالندگی تعزیه استفاده می‌کنیم که فقط هم مختص نمایش‌های مذهبی نباشد؛ اما حال‌وهوای روحی خودش را همچنان حفظ کند.

کاچه کسانی در این سال‌ها توانسته‌اند به نحوی مطلوب از موسیقی تعزیه در کارهایشان بهره‌مند شوند و بر شد آن نقش داشته‌اند؟
خیلی از آهنگ‌سازها، از جمله دکتر مسعودیه که محتوای پژوهشی است و همچنین استادانی مانند هوشنگ کامکار، حسین علیزاده و خیلی‌های دیگر در تئاتر از موسیقی تعزیه بهره برده‌اند که این می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد. می‌توانم بگویم محمدسعید شریفیان در اثر سمفونیک عاشورا از بخش‌هایی از موسیقی تعزیه بهره گرفته و همواره موسیقی تعزیه در تئاتر تأثیرگذار بوده است.

کاچه توصیه‌ای برای رشد موسیقی تعزیه دارید؟
به نظر من تازمانی‌که تعزیه هنوز زنده است و نسل‌هایی هستند که تعزیه می‌خوانند و اجرا می‌کنند و پیش از آنکه از بین برود و همین‌ها باعث شده‌اند که در ۵۰ سال اخیر چیزی به نام تعزیه بماند، با وجود اینکه امکان نابودی‌اش هم هست؛ اما باید در نگهداری و ماندگاری‌اش تلاش کنیم.

کا نکته پایانی؟

من هر جا اپرای عاشورا را برده‌ام و اجرا کرده‌ام، با آنکه آنها مسلمان نبوده‌اند و با تشیع بی‌آشنایی نداشته‌اند، باعث تأثیر در تماشاگر شده است و منظره‌ای از عظمت این موسیقی توصیفی و دراماتیک شده‌اند.

زیر آسمان فیروزهای

حمید فرخ‌نژاد بستری شد



● **شرق:** حمید فرخ‌نژاد، بازیگر سینما، به‌دلیل عارضه در دستگاه گوارشی (سنگ صفرا) در بیمارستان بستری شد. این بازیگر روز گذشته، ۱۷ مهر، تحت عمل جراحی قرار گرفت. فرخ‌نژاد در گفت‌وگویی با ایبسنآ، در تقدیر از پرسنل بیمارستان خطاب به آنها گفت: «شما بستگان من هستید، عزیزان باشرافت و دلسوز، پزشکان و کادر درمانی بیمارستان سینا، دلگرم به وجود نازنینتان، چند شب پرتلاطم و پردرد را گذراندم تا با اکتا به حضور سیزتان به ساحل آرامش برسم. سیاست‌گزار برادر بزرگوارم دکتر کرمانپور و دکتر صحراییم عزیز و دکتر طایفه محترم و سایر پزشکان و عزیزان بیمارستان سینا هستم، خدا خیرتان بدهد که بزرگید و انسان».

معرفی هنر ایران به اروپا در «سوفیاگالری»



● سوفیاگالری در قلب لندن، در منطقه میفر و چند قدمی دفتر حراج خانه سانتینز، قصد دارد با استانداردهای بین‌المللی هنر ایران را به اروپا معرفی کند. لیلی جاسمی، بانوی جوان گالری‌دار ایرانی متولد آلمان، به عنوان یکی از سه مؤسس سوفیاگالری می‌گوید با ارانه درست هنر ایران می‌خواهد ترس غربی‌ها از ایرانی‌ها را از بین ببرد. جاسمی گفت: «ما سه شریک هستیم؛ وسلیت سرن کف، روس – فرانسوی و لالی مارگانیا روس – گرجستانی است. هر دو آنها از خانواده‌های سرشناس مجموعه‌دار هستند و در زمینه‌های امور مالی و تاریخ هنر تحصیل کرده‌اند. ما سه نفر با شش زبان صحبت می‌کنیم و این می‌تواند به ما در دستیابی به بازارهای نوین کمک شایان توجهی کند. ما می‌توانیم گالری حرفه‌ای بسازیم که هنر ایران را در اروپا عمومی کنیم.» او تاکید کرد: «سوفیاگالری، گالری بین‌المللی هنر معاصر است که گونه‌های مختلف از هنر در سراسر جهان را به نمایش می‌گذارد، اما تمرکزمان هنر ایران است؛ استراتژی ما این طور است که رویدادها را طوری چیدمان می‌کنیم که در فواصل نمایشگاه‌های هنرمندان ایران، از هنرمندان شاخص دیگر کشورها نمایشگاه‌هایی خوب می‌گذرایم تا توجه کلنگروها و طیف‌های متنوعی از خریداران آثار هنری را به سوی خودمان جلب کنیم؛ درعین‌حال ما برای هنرمندان به‌خصوص هنرمندان ایرانی، فقط یک شوم‌نی گذاریم، برایشان علاوه بر نمایشگاه در لندن، بسته به میزان قدرت‌شان در مارکت هنر، برنامه‌ریزی‌های متعددی خواهیم داشت، باعث تأثیر در تماشاگر شده است و لندن در سن‌پترزبورگ و آلمان هم برایش نمایش فیلم تدارک دیدیم و برنامه‌های مفصلی مانند تولید فیلم و کتاب برایش داریم.» جاسمی یادآوری کرد: «اولین نمایشگاه ما در ماه مارس با رضا درخشانی بود و بسیار موفق هم بودیم. دومین نمایشگاه ما ما مهرداد خطایی و سومین نمایشگاه ما با پویا آریان‌پور بود که آثارشان را در لندن به نمایش گذاشتیم و هر دو با استقبال بسیار شایان توجه روبه‌رو شدند، برنامه بعدی ما با هنرمندان خیابانی ایرانی و غربی است. ما، درحال‌حاضر یک نمایشگاه گروهی در کارلیمان داریم که بیشتر، آثار هنرمندان ایرانی است، این نمایشگاه تا پایان سپتامبر ۲۰۱۶ ادامه دارد. غیر از هنرمندانی که نام بردم رامین شirdل، شیرین احمدی، بهرام حنفی، محمد یزدی، آزاده زقاق دوست، حامد صحیحی و امیرحسین زنجانی را می‌توانم به عنوان هنرمندانی اعلام کنم که برای‌شان برنامه داریم. جاسمی در پاسخ به این پرسش که چه نوع آثار هنری در اروپا با اقبال روبه‌رو می‌شوند، گفت: «اربابی ما می‌گوید در اروپا سه چیز برای یک هنری خیلی خیلی مهم است؛ کار خوب به معنای یک اثر خلاقانه چشمگیر، اصل‌بودن اثر و قیمت عادلانه. درعین‌حال هنرمندی که کپی می‌کند دست‌کم در اروپا موفق نمی‌شود.» او با رد ادعای کسانی که مدعی‌اند آثار هنرمندان ایرانی در آن سوی آب‌ها هم از سوی مجموعه‌داران ایرانی خریداری می‌شود، گفت: «اصلاً این‌طور نیست، متأسفانه حوزه نفوذ مجموعه‌دارهای ایرانی در اروپا نیست و خریداران سوفیاگالری را می‌بینم که ایرانی نیستند، البته خیلی خوب است که مجموعه‌داران ایرانی آن‌قدر برقدرت باشند که همه‌جا از آثار ایرانی حمایت کنند. جاسمی در پایان مهم‌ترین برنامه‌های پیش‌روی سوفیاگالری را شرکت در مستر فریز لندن با قطعات آثارنگاردی از مالوچ، هنرمند مشهور روس و نیز آثار هنرمند آمریکایی رابرت کلی، نمایشگاه انفرادی رابرت کلی، حراج خیریه با مؤسسه خیریه Alfred basbous، میزبانی از برنده جایزه magic of perisa و شرکت در جلسه سخنرانی بازار هنر ایران در arts club لندن اعلام کرد.